

چرا سایپا پنهان کاری می‌کند؟

صفحه ۳

توطئه گران قیمت نفت
را کاهش دادند

دفاع ظریف
از «هیچ هسته‌ای»

چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۳۹۲ | ۱۰ صفر ۱۴۳۶ | ۲۰ دسامبر ۲۰۱۴ | سال هفتم | شماره ۱۴۷۹ | ۱۶ صفحه | ۵۰۰ تومان

اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی

ISSN:2008-2886

Wed, Dec. 03, 2014

Vol.7 | No.1479

VATAN-E-EMROOZ

دل نوشت

احترام ایرانی لنگ مذاکره نیست

حسین قدیانی

چه می‌گوید آقای ظریف؟! آیا «مذاکرات یک سال اخیر احترام ایران و ایرانی را در جهان بیشتر کرده‌است»؟! یعنی احترام ایران و ایرانی لنگ مذاکره بود؟! دنیا آنجا به نشانه احترام سر تعظیم در برابر ایران و ایرانی فرود می‌آورد که حاج‌قاسم سلیمانی کیلومترها آن سوی مرزها به قهرمان جهانی مبارزه با تروریسم بدل می‌شود در خط مقدم مبارزه با تکفیری‌های اجیر شده توسط آمریکا و حکام منطقه، بدون جلیقه ضد گلوله! «بیستون را عشق کند و شهرتش فرهاد بر د» مال قصه‌هاست! همیشه اینگونه نخواهد بود! فی‌الحال در شبکه‌های مجازی و البته واقعی و نه تنها در ایران، بلکه در عراق و سوریه و یمن و لبنان و بحرین و... چه می‌نویسم که حتی در بین ژنرال‌های پنتاگون، آن که برای ایران و ایرانی تولید احترام می‌کنند، فرمانده سپاه قدس ایران است. کجاست ژنرال پترلوس؟! می‌گفتند رقیب قدر قدرت حاج‌قاسم است! براستی کجاست ژنرال چندستاره جناب پرزیدنت؟! اگر من جای حاج‌قاسم بودم به منشی هادی العامری می‌سپردم که همین امروز تلفن را بردارد و یک احوالی از این رقیب بخت‌پرگشته بپرسد! عمر سلیمان که به درک واصل شده هیچ!

جمهوری اسلامی می‌گفت «غزه»، آمریکا می‌گفت «اسرائیل»! مردم جهان با کدام جبهه بودند، کدام جبهه را پیروز دانستند و به کدام احترام گذاشتند؟! حقیقت را چه وارونه فهمیده‌اند بعضی‌ها! اتفاقاً اگر خیال کنیم دنیا یعنی اوپاما و جان کری، بعضی‌ها بگویند که در این یک سال اخیر، این دو بعد از کدام مذاکره، مولد کدام احترام برای ایران و ایرانی بوده‌اند؟! شگفتا! این دو و رسانه‌های‌شان هر چه بعد از مذاکرات یک سال و نیم اخیر، زبان به تحقیر و ناسزا علیه ملت ما دراز می‌کنند، لیکن مابه‌ازای دلاورمردی‌های سردار سلیمانی، جز به احترام، هم احترام به شخص حاج قاسم، هم احترام به ملت ایران یاد نمی‌کنند! دشمنی‌شان سر جای خودش هست اما به نیکی می‌دانند درباره مالکاکثر جمهوری اسلامی چگونه سخن برانند! تولید احترام، نه جانم! عکس گرفتن با جان کری تولید احترام نمی‌کند که اگر می‌کرد، هیچ‌کس اندازه تانیاویو نقاش با جان کری و امثالهم سگ‌ها نندارد! تانیا تولید احترام، احترام ایران و ایرانی محصول مذاکره نیست، بلکه ریشه در خون دانشمند شهیری همچون شهید شهبازی دارد که با شاهکار غنی‌سازی ۲۰ درصد به بعضی‌ها این عمل را داد که در مذاکره با دشمن، امتیازی برای مجاز اندام داشته باشند! تولید احترام، آنجا بود که خمینی گفت: «امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» و آنجا بود که مردم یمن به تأسی از انقلاب اسلامی، کاخ علی عبدالله صالح را، آن هم کمی آن‌ورتر از شارع «دلی سلطان» فتح کردند!

تولید احترام، آنجا بود که حضرت روح‌الله فرمود: «هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید»! من به گمانم روز سه‌شنبه‌ای، جناب وزیر خارجه می‌خواست عاقبت جواب اراجیف همتای آمریکایی خود را بدهد اما در کمال تعجب، متوجه شدیم که ایشان فرمود: «به‌واسطه مذاکرات، ایران در یک سال اخیر امن‌تر شده‌است!» جان کری هم که گفت: «در یک سال اخیر اسرائیل امن‌تر شده‌است!» نکند این وسط گوشت قربانی، «منافع ملی» باشد! جلال‌الخالق! امنیت این مرز و بوم را موشک‌های حی و حاضر شهید طهرانی‌مقدم افزایش داده یا «هیچ توافقی بدتر از عدم توافق نیست»؟! مردم خود بهترین‌فایضی‌اند!

تولید احترام... نگاه من به دست آن مجاهد فلسطینی در کرانه باختری است که عن‌قرب با سلاح ایرانی، اسرائیل را نامن‌تر از همیشه خواهد کرد.

«هیچ» همه تیت‌ر ما بود بعد از تمدید کذا. بعضی‌ها اگر نفهمند احترام ایران و ایرانی در گرو چیست، «هیچ» هم برایشان زیاد است! آن روز، چه روادارانه تیت‌ر زدیم ما!

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

پیامک خوانندگان

۳۰۰۰۸۸

در پچه انعکاس پیام‌های شما از سراسر کشور

روزنامه صبح ایران

وطن امروز

اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی

ISSN:2008-2886

Wed, Dec. 03, 2014

Vol.7 | No.1479

VATAN-E-EMROOZ



مسئولان درباره تناقضات، ابهامات و نابسامانی‌های افزایش قیمت قوت‌مخالب مردم پاسخگو نیستند

دولت، سکوت، نان

آقای جواد ظریف، وزیر محترم خارجه روز گذشته در همایش «وطن امروز» موضع گرفت و اظهاراتی را مطرح کرد که نشان می‌دهد متأسفانه ایشان کماکان نگاه مناسبی نسبت به انتقادات ندارد در کنار این مسائل، به نظر می‌رسد آقای ظریف به جای پرداختن به نتایج مذاکرات و شرح «آنچه گذشت» برای مردم، تلاش دارد مسائلی دیگری را برجسته کند درباره اظهارات دیروز آقای ظریف، این نکات قابل بیان است.

بازتاب

وزیر محترم امور خارجه به جای حمله به منتقدان، باید بداند اکنون نوبت پاسخگویی است. آقای ظریف باید پاسخ دهد حالا که بیش از ۱۵ ماه از مذاکره با طرف آمریکایی گذشته و پس از دادن امتیازات مهم به طرف مقابل، چه برای مردم ایران آورده است؟! با یک ملک و معیار ملموس می‌توان درباره میزان اثر گذار بودن مذاکرات آقای ظریف اظهارنظر کرد و آن محاسبه شرایط طرفین، قبیل و پس از مذاکرات هسته‌ای است. این مقایسه به عنوان واقعیت صورت می‌گیرد که هدف ایران از مذاکرات، «لغو تحریم‌ها»، ضمن حفظ «حقوق هسته‌ای» خود - مصرح در آن بی‌تی - بود و طرف مقابل نیز در ظاهر به دنبال رفع نگرانی‌های خود از گرایش ایران به سوی بمب اتم، در اینجا توافق ژنو به عنوان نقطه عطف مذاکرات در نظر گرفته می‌شود. براساس توافق ژنو، ایران ۲۷ نمونه تعهد درباره فعالیت‌های هسته‌ای خود به طرف مقابل داد. مهم‌ترین تعهدات ایران عبارت است از: «خنثی‌سازی ۱۹۶ کیلوگرم ذرات اورانیوم ۲۰ درصد، توقف غنی‌سازی بالای ۵ درصد، توقف توسعه راکتور آب سنگین اراک، تعلیق استفاده از سانتریفیوژهای نسل‌های پیشرفته، عدم نصب سانتریفیوژهای جدید به غیر از جایگزینی سانتریفیوژهای مستهلک، توسعه وسیع بازرسی‌ها حتی در سطح دسترسی به پایگانی دوربین‌های آفلاین!» و نیز موضوعات دیگری درباره دسترسی به روتورها و نیز تحدید گسترده غنی‌سازی ۵ درصد و فرآیندهای منجر به غنی‌سازی ۵ درصد.» در میان این تعهدات نابسودی اورانیوم ۲۰ درصد، تعهد برای عدم راه‌اندازی راکتور آب سنگین اراک و نیز تحدید فنی سانتریفیوژها در کنار بازرسی‌های گسترده اقداماتی بود که می‌توانست بخش زیادی از ادعای نگرانی طرف مقابل درباره ماهیت برنامه هسته‌ای ایران را از بین ببرد. کما اینکه بعد از این توافق طرف آمریکایی چه در سطح رئیس‌جمهور و چه در سطح وزیر خارجه صراحتاً اعلام کردند: «با توافق ژنو، اسرائیل امن‌تر شده»! ریشه این ادعاها باطل و غیرقابل پذیرش است اما در واقع، آنچه اتفاق افتاد، شفاف‌سازی و اعتمادسازی طرف ایرانی در مقیاسی بسیار وسیع بود. ایران تقریباً پس از قریب به ۳سال توانسته بود ۱۹۶ کیلوگرم اورانیوم ۲۰ درصد برای تأمین سوخت راکتور تهران ذخیره کند که براساس توافق ژنو نیمی از آن را خنثی و نیم دیگر را اکتسید کرد! راکتور آب سنگین اراک امسال باید افتتاح می‌شد اما برای آنکه

آقای جواد ظریف، وزیر محترم خارجه روز گذشته در همایش «وطن امروز» موضع گرفت و اظهاراتی را مطرح کرد که نشان می‌دهد متأسفانه ایشان کماکان نگاه مناسبی نسبت به انتقادات ندارد در کنار این مسائل، به نظر می‌رسد آقای ظریف به جای پرداختن به نتایج مذاکرات و شرح «آنچه گذشت» برای مردم، تلاش دارد مسائلی دیگری را برجسته کند درباره اظهارات دیروز آقای ظریف، این نکات قابل بیان است.

چرا هیچ؟

دیپلماسی هسته‌ای علیه منتقدان و ویژه روزنامه «وطن امروز» موضع گرفت و اظهاراتی را مطرح کرد که نشان می‌دهد متأسفانه ایشان کماکان نگاه مناسبی نسبت به انتقادات ندارد در کنار این مسائل، به نظر می‌رسد آقای ظریف به جای پرداختن به نتایج مذاکرات و شرح «آنچه گذشت» برای مردم، تلاش دارد مسائلی دیگری را برجسته کند درباره اظهارات دیروز آقای ظریف، این نکات قابل بیان است. وزیر محترم امور خارجه به جای حمله به منتقدان، باید بداند اکنون نوبت پاسخگویی است. آقای ظریف باید پاسخ دهد حالا که بیش از ۱۵ ماه از مذاکره با طرف آمریکایی گذشته و پس از دادن امتیازات مهم به طرف مقابل، چه برای مردم ایران آورده است؟! با یک ملک و معیار ملموس می‌توان درباره میزان اثر گذار بودن مذاکرات آقای ظریف اظهارنظر کرد و آن محاسبه شرایط طرفین، قبیل و پس از مذاکرات هسته‌ای است. این مقایسه به عنوان واقعیت صورت می‌گیرد که هدف ایران از مذاکرات، «لغو تحریم‌ها»، ضمن حفظ «حقوق هسته‌ای» خود - مصرح در آن بی‌تی - بود و طرف مقابل نیز در ظاهر به دنبال رفع نگرانی‌های خود از گرایش ایران به سوی بمب اتم، در اینجا توافق ژنو به عنوان نقطه عطف مذاکرات در نظر گرفته می‌شود. براساس توافق ژنو، ایران ۲۷ نمونه تعهد درباره فعالیت‌های هسته‌ای خود به طرف مقابل داد. مهم‌ترین تعهدات ایران عبارت است از: «خنثی‌سازی ۱۹۶ کیلوگرم ذرات اورانیوم ۲۰ درصد، توقف غنی‌سازی بالای ۵ درصد، توقف توسعه راکتور آب سنگین اراک، تعلیق استفاده از سانتریفیوژهای نسل‌های پیشرفته، عدم نصب سانتریفیوژهای جدید به غیر از جایگزینی سانتریفیوژهای مستهلک، توسعه وسیع بازرسی‌ها حتی در سطح دسترسی به پایگانی دوربین‌های آفلاین!» و نیز موضوعات دیگری درباره دسترسی به روتورها و نیز تحدید گسترده غنی‌سازی ۵ درصد و فرآیندهای منجر به غنی‌سازی ۵ درصد.» در میان این تعهدات نابسودی اورانیوم ۲۰ درصد، تعهد برای عدم راه‌اندازی راکتور آب سنگین اراک و نیز تحدید فنی سانتریفیوژها در کنار بازرسی‌های گسترده اقداماتی بود که می‌توانست بخش زیادی از ادعای نگرانی طرف مقابل درباره ماهیت برنامه هسته‌ای ایران را از بین ببرد. کما اینکه بعد از این توافق طرف آمریکایی چه در سطح رئیس‌جمهور و چه در سطح وزیر خارجه صراحتاً اعلام کردند: «با توافق ژنو، اسرائیل امن‌تر شده»! ریشه این ادعاها باطل و غیرقابل پذیرش است اما در واقع، آنچه اتفاق افتاد، شفاف‌سازی و اعتمادسازی طرف ایرانی در مقیاسی بسیار وسیع بود. ایران تقریباً پس از قریب به ۳سال توانسته بود ۱۹۶ کیلوگرم اورانیوم ۲۰ درصد برای تأمین سوخت راکتور تهران ذخیره کند که براساس توافق ژنو نیمی از آن را خنثی و نیم دیگر را اکتسید کرد! راکتور آب سنگین اراک امسال باید افتتاح می‌شد اما برای آنکه دیپلماسی هسته‌ای علیه منتقدان و ویژه روزنامه «وطن امروز» موضع گرفت و اظهاراتی را مطرح کرد که نشان می‌دهد متأسفانه ایشان کماکان نگاه مناسبی نسبت به انتقادات ندارد در کنار این مسائل، به نظر می‌رسد آقای ظریف به جای پرداختن به نتایج مذاکرات و شرح «آنچه گذشت» برای مردم، تلاش دارد مسائلی دیگری را برجسته کند درباره اظهارات دیروز آقای ظریف، این نکات قابل بیان است. وزیر محترم امور خارجه به جای حمله به منتقدان، باید بداند اکنون نوبت پاسخگویی است. آقای ظریف باید پاسخ دهد حالا که بیش از ۱۵ ماه از مذاکره با طرف آمریکایی گذشته و پس از دادن امتیازات مهم به طرف مقابل، چه برای مردم ایران آورده است؟! با یک ملک و معیار ملموس می‌توان درباره میزان اثر گذار بودن مذاکرات آقای ظریف اظهارنظر کرد و آن محاسبه شرایط طرفین، قبیل و پس از مذاکرات هسته‌ای است. این مقایسه به عنوان واقعیت صورت می‌گیرد که هدف ایران از مذاکرات، «لغو تحریم‌ها»، ضمن حفظ «حقوق هسته‌ای» خود - مصرح در آن بی‌تی - بود و طرف مقابل نیز در ظاهر به دنبال رفع نگرانی‌های خود از گرایش ایران به سوی بمب اتم، در اینجا توافق ژنو به عنوان نقطه عطف مذاکرات در نظر گرفته می‌شود. براساس توافق ژنو، ایران ۲۷ نمونه تعهد درباره فعالیت‌های هسته‌ای خود به طرف مقابل داد. مهم‌ترین تعهدات ایران عبارت است از: «خنثی‌سازی ۱۹۶ کیلوگرم ذرات اورانیوم ۲۰ درصد، توقف غنی‌سازی بالای ۵ درصد، توقف توسعه راکتور آب سنگین اراک، تعلیق استفاده از سانتریفیوژهای نسل‌های پیشرفته، عدم نصب سانتریفیوژهای جدید به غیر از جایگزینی سانتریفیوژهای مستهلک، توسعه وسیع بازرسی‌ها حتی در سطح دسترسی به پایگانی دوربین‌های آفلاین!» و نیز موضوعات دیگری درباره دسترسی به روتورها و نیز تحدید گسترده غنی‌سازی ۵ درصد و فرآیندهای منجر به غنی‌سازی ۵ درصد.» در میان این تعهدات نابسودی اورانیوم ۲۰ درصد، تعهد برای عدم راه‌اندازی راکتور آب سنگین اراک و نیز تحدید فنی سانتریفیوژها در کنار بازرسی‌های گسترده اقداماتی بود که می‌توانست بخش زیادی از ادعای نگرانی طرف مقابل درباره ماهیت برنامه هسته‌ای ایران را از بین ببرد. کما اینکه بعد از این توافق طرف آمریکایی چه در سطح رئیس‌جمهور و چه در سطح وزیر خارجه صراحتاً اعلام کردند: «با توافق ژنو، اسرائیل امن‌تر شده»! ریشه این ادعاها باطل و غیرقابل پذیرش است اما در واقع، آنچه اتفاق افتاد، شفاف‌سازی و اعتمادسازی طرف ایرانی در مقیاسی بسیار وسیع بود. ایران تقریباً پس از قریب به ۳سال توانسته بود ۱۹۶ کیلوگرم اورانیوم ۲۰ درصد برای تأمین سوخت راکتور تهران ذخیره کند که براساس توافق ژنو نیمی از آن را خنثی و نیم دیگر را اکتسید کرد! راکتور آب سنگین اراک امسال باید افتتاح می‌شد اما برای آنکه

فشار بیشتر برای امتیازگیری بیشتر از ایران بوده و هستند. این الگوی محاسبه آنهاست. آقای ظریف لابد اظهارات سال گذشته باراک اوپاما در سابان را مطالعه کرده است! چرا آقای اوپاما این ادعای گزاف را مطرح

کرد که دولت آقای روحانی برآمده از تحریم‌هاست؟ چرا او دائماً این ادعای گزاف را مطرح کرده و می‌کند که تحریرها ایران را پای میز مذاکره آورد؟ آیا دلیل آن غیر از مشاهده گزاره‌هایی در داخل ایران است که بر تاثیر گذاری تحریم‌ها صحه می‌گذارد؟ وقتی در آستانه مذاکرات از ريسان عالی‌ترین مقام اجرایی کشور شنیده می‌شود «خرانه خالی است» با وضعیت کشورزی «دهشتناک» است. آیا این موضوع در تثبیت الگوی محاسبه‌ای طرف مقابل تاثیر گذار نیست؟ از همه تأسف‌انگیزتر رفتار خود آقای ظریف در تثبیت محاسبات آمریکایی‌ها علیه ایران است، اظهارات او در شورای روابط خارجی آمریکا و اینکه در صورت شکست مذاکرات او و همفکرانش، انتخابات را به جریان غریب‌سین خواهد باخت، در واقع ترحمان دیگری از ادعاهای گزاف اوپامااست. در واقع اوپاما در راستای نقض حاکمیت ملی و استقلال مردم ایران، مدعی بود دولت روحانی نتیجه تحریم‌های او علیه ایران است اما آقای ظریف در شورای روابط خارجی آمریکا براساس کدام مولفه امنیت‌افزین ادعا می‌کنند بقا یا زوال قدرت او و دوستانش در آمریکا

الف - گره زدن امنیت به مقوله مذاکرات، یک اقدام خطرناک است! اینکه با مذاکره، امنیت ایران تأمین می‌شود در واقع برجسته‌سازی خطر گزینه نظامی در صورت قطع مذاکرات است! این ادعا در واقع در راستای همان اظهارات ظریف در دانشگاه صنایع هواپیمایی هم که مدیران همین دولت اذعان کرده‌اند در این حوزه‌ها اتفاق خاصی نیفتاده است. اکنون می‌توان با یک دلی کلی قضاوت کرد که آیا نسبت دادها و ستانده‌های ایران و آمریکا در توافق ژنو، متوازن و عادلانه بوده است؟ سوال دقیق‌تر اینکه آیا تعهدات طرف مقابل در توافق ژنو تأثیری بر کاهش فشار تحریم‌ها داشته است؟ وظیفه وزیر محترم امور خارجه است که این روزها و پس از ۱۵ ماه مذاکره هسته‌ای به جای پنهانکاری، اطلاعات واقعی و دقیق از مذاکرات و روند آن به مردم ارائه دهد. آنچه آقای ظریف باید توضیح دهد، وضعیت مذاکرات و تأثیر آن بر ۲ مقوله «معیشت» و «حقوق هسته‌ای» مردم است. یعنی براساس وعده آقای روحانی، مذاکرات چه تأثیری بر وعده «چرخش همزمان سانتریفیوژها و چرخ اقتصاد» داشته است؟ بنابراین آنچه مذاکرات را با آن می‌سنجند؛ وضعیت معیشت مردم و حقوق هسته‌ای است، سایر موارد حاشیه و فرعیات است. ۲- همانگونه که انتظار می‌رفت وزیر محترم امور خارجه روز گذشته درباره اصل ماجرا اظهارنظر صریح نکرد و با طرح موضوعات فرعی و حاشیه‌ای تلاش کرد برای این مذاکرات و توافق ژنو، اعتبار جور کند! یعنی به جای پرداختن به وضعیت حقوق هسته‌ای ملت، نتیجه مذاکرات را در حاشیه‌ها جست‌وجو کرد اما ما معتقدیم همین موضوعات فرعی هم نمی‌تواند خلأ ناکارآمدی شیوه مذاکرات فعلی هسته‌ای را پر کند! رفقای ایران را تقویت کرد! امریکایی‌ها معتقد به

است «گران»!

درباره واگذاری ۱۰۰۰ مدرسه به بخش غیردولتی

صدای زنگ مدارس خصوصی

صفحه ۴

یادداشت روز

مذاکرات هسته‌ای کجا ایستاده‌ایم؟

مهدی محمدی

یکم- بحث درباره شیوه صحیح مواجهه با مذاکرات هسته‌ای چندان پیچیده نیست، برای کسانی که هدفشان توافق به هر قیمت است و اصل توافق را مهم‌تر از محتوای آن می‌دانند، طبعاً بهترین حالت این است که هیچ‌کس جز آنچه آنها می‌خواهند، چیزی نگوید یا شاید بهتر باشد اصلاً هیچ‌کس هیچ چیز نگوید و آنها خود ببرند، بدونند و بر تن خویش و ملت کنند اما برای آنها که متعلق رهبر معظم انقلاب اسلامی را ملاک عمل خویش می‌دانند، ۲ نکته بی‌هیچ ابهامی مبنای عمل است:

۱- خطوط قرمزی وجود دارد که تعیین می‌کند کدام توافق خوب و کدام بد است و این خطوط قرمز نیازمند تبیین، تذکر و نگهداری است.

۲- هدف نهایی و راهبردی، توافق به هر قیمت نیست بلکه هدف این است که جامعه و دولت به درجه‌ای از آگاهی برسند که دریاوند کار کشور با امید بستن به آمریکا و توقع معجزه داشتن از مذاکرات پیش نخواهد رفت و حتی اگر می‌خواهیم مذاکرات موفق باشد، گام اول قطع امید کردن از آمریکا به عنوان مهم‌ترین طرف مذاکره است.

بر همین اساس، رهبر معظم انقلاب هرگز نقد استدلالی و خیرخواهانه به روند مذاکرات را نفی و نپه نکرده‌اند. مسود کردن بایی که رهبری آن را باز گذاشته‌اند به این معناست که کسانی چیزهایی برای نگران بودن دارند و می‌خواهند به جای بحث درباره آنها، از طریق همه‌گیرسازی سکوت پیش ببرند.

دوم- بایباید اصولمان را مرور کنیم. وقتی این اصول را پیش چشم داشته باشیم، روشن خواهد شد که بحث بر سر چیست و اختلاف کجاست.

اصل اول این است که هیچ‌کس نه با مذاکره و نه با توافق مخالف نیست. نه مذاکره ایساع دولت حسن روحانی است و نه توافق کردن امری است که پیشینیان از آن گریزان بودند.

اصل دوم این است که توافق نکردن بهتر از توافق بد است و شاخص اینکه توافقی خوب است یا بد، میزان بایبندگی صریح و قابل راستنی آزمایی آن به خطوط قرمزی است که برای تیم مذاکره‌کننده معین شده است.

اصل سوم این است که بدون شک یک توافق خوب یا حتی تلاش برای دستیابی به آن، همه از جمله منتقدان را پشت سر تیم مذاکره‌کننده سیج خواهد کرد اما نباید توقع داشته باشند تا زمانی که چنین توافقی حاصل نشده، پرسشگری در این باره باکلی تعطیل شود! نگرانی از محتوای مذاکرات نه به معنای زیر سلول بردن جدیت تیم مذاکره‌کننده است و نه دلسوزی آنها را نفی می‌کند، اگرچه آنها هم جدیت و هم دلسوزی اسلاف خود را لمهر یابانه و مکررانفی کرده‌اند.

اصل چهارم این است که توافق ژنو، یک توافق خوب نیست، همین که اکنون صهیونیست‌ها به منافقان تمدید توافق ژنو تبدیل شده‌اند نشان‌دهنده آن است که روندی که براساس این توافق استوار شده، منافع ضروری آنها را تأمین می‌کند و به همین دلیل - به‌رغم مخالفت‌های ظاهرشانه‌ای که تاکنون با این توافق می‌کردند- تمدید این توافق را بهتر از به هم خوردن مذاکراتی می‌دانند که آنها را مجبور خواهد کرد یا بلوف‌هایشان را عملی کند یا بپذیرند تا امروز بزرگ‌تر از دهانشان حرف زده‌اند.

و پنجمین اصل این است که حتی پس از یک توافق، آنچه باید در افکار عمومی جامعه ایرانی رسوب کند، افزایش حس ستیز و مقاومت در مقابل آمریکا، تشدید اتکا به ظرفیت‌های درونی و جدی‌تر و علنی‌تر شدن روبرویی راهبردی با آمریکاست. آدرس‌هایی که اکنون تعلق روحانی به مردم می‌دهد به هیچ‌وجه با این اصل راهبردی منطبق نیست. در ماه‌های گذشته، درون و بیرون مذاکرات، هیچ تلاشی از ناحیه دولت برای افزایش بی‌اعتمادی عمومی به آمریکا مشاهده نشده است. برعکس، دولتی‌ها زباده‌خواهی‌های بی‌درسی آمریکا در مذاکرات را به طور سیستماتیک سانسور کرده‌اند و بذتر از آن، حتی وقتی منتقدان یا صدا و سیما تلاش کرده‌اند به مردم بگویند که نه‌تنها ماهیت و ادبیات آمریکا عوض نشده بلکه جسارت‌آمیزتر هم شده، زبان به گلابه و در مواردی هم تهدید گشوده‌اند تا به هر قیمت ممکن این روند را متوقف کنند. مساله بسیار مهم در اینجا این است که آیا دولت براساس خطمشی کلان «افزایش تقابل راهبردی با آمریکا در عین مذاکره و - در صورت امکان- توافق خوب هسته‌ای» عمل می‌کند یا اینکه هم‌زمان با پیشبرد مذاکرات، در حال اعتبارزدایی عملی از منطق راهبردی است که می‌گوید قدرتمند شدن ایران در گرو نرفتن زیر بار استناداردهای آمریکایی است؟ این یک اصل ایدئولوژیک نیست که تبعیت از آن از بالا ابلاغ شده باشد. این حقیقتی است که بیش از هر کس دولتی‌ها خود را درون مذاکرات و در تعامل فشرده و بسیار نزدیک با آمریکا در یک سال گذشته دریافته‌اند.

ادامه در صفحه ۱۶